

تعیین رژیم حقوقی دریای خزر و حزب توده ایران

نوشتارهایی از نامه مردم

انتشارات نویدنو

تابستان ۱۳۹۷

نویدنو برای اطلاع خوانندگان خود چندین نوشتار از مواضع حزب توده ایران، بعنوان میهن دوست
ترین نیروی سیاسی مدافع زحمتکشان، را در این رابطه تقدیم می کند. امیدواریم که نقطه
روشنی بر ابهام های موجود در اذهان عمومی باشد.

۲	مقدمه.....
۳	تحول‌های حوزه دریای خزر، امنیت و منافع ملی ایران.....
۳	منتشر شده در - مرداد ۰۹, ۱۳۹۱.....
۹	نگاهی به تحولات منطقه، و اهمیت منابع نفت و گاز حوزه دریای خزر.....
۹	منتشر شده در - آذر ۰۱, ۱۳۹۰.....
	شکست سیاست خارجی رژیم در رابطه با تدوین رژیم حقوقی دریای خزر بی عملی در تعیین رژیم
۱۴	حقوقی دریای خزر نماد دیگری از شکست سیاست خارجی رژیم ایران.....
۱۴	منتشر شده در - آذر ۰۱, ۱۳۸۹.....
۲۰	جایگاه و نقش ایران در معاملات حوزه دریای خزر.....
۲۰	منتشر شده در - فروردین ۱۰, ۱۳۸۹.....
۲۴	نظام حقوقی دریای خزر و منافع ملی ایران.....
۲۴	منتشر شده در - دی ۳۰, ۱۳۸۶.....

با برگزاری کنفرانس سران حوزه دریای خزر در مرداد ۱۳۹۷ و برخوردهای مختلف از سوی جریان های متفاوت سیاسی و اجتماعی برخی از خوانندگان خواستار توضیح بیشتری در این رابطه شده اند . از یک سو فریاد " وای خزر فروخته شد " و از سوی دیگر آوای دست یابی به صلح و امنیت با ممنوعیت حضور نیروهای نظامی خارجی در خزر گوش فلک را کرکرده است . در این میان انسان های میهن دوستی هستند که دغدغه واقعی در باره سرنوشت خزر و سهم ایران از این بزرگترین دریاچه جهان را دارند . این عده از یک سو از لحاظ کارشناسی خیلی به این مقوله و مسائل حقوقی آن وارد نیستند و از سوی دیگر با توجه به وضعیت متزلزل ایران در جهان و شناخت از ماهیت حاکمان نظام که یگانه راهنمای عملشان "بقای نظام" است نگرانی جدی از نتیجه نهایی این مذاکرات دارند.

نویدنو برای اطلاع خوانندگان خود چندین نوشتار از مواضع حزب توده ایران ، بعنوان میهن دوست ترین نیروی سیاسی مدافع زحمتکشانشان ، را در این رابطه تقدیم می کند. امیدواریم که نقطه روشنی بر ابهام های موجود در اذهان عمومی باشد .

منتشر شده در - مرداد ۰۹، ۱۳۹۱

بروز تنش میان جمهوری ترکمنستان و دولت باکو برسر مالکیت سه میدان گازی دریای خزر، در صدر خبر و گزارش‌های رسانه‌های داخلی و خارجی قرار داشت. در اوایل تیرماه، مقام‌های جمهوری آذربایجان از توقف فعالیت کشتی اکتشافی ترکمنستان در محدوده میدان گازی سردار خبر دادند.

به دنبال این گزارش، مسئولان دولت عشق آباد اعلام کردند که، دخالت هیچ کشوری نسبت به حق گشت زنی کشتی‌های غیرنظامی در مرزهای آبی خود را اجازه نمی‌دهند. ترکمنستان همچنین با صراحت خاطر نشان ساخته است که، دولت باکو با زیر پا گذاشتن موازین بین‌المللی با بستن قراردادهای یک جانبه با شرکت‌های آمریکایی و اروپایی به خصوص برتیش پترولیوم، تلاش دارد منابع و میدان‌های گازی این کشور را تصاحب کند .

این نخستین بار نیست که اختلاف میان باکو و ترکمنستان به تنش‌های دیپلماتیک منجر می‌گردد. این دو کشور مدت‌ها است که بر سر مالکیت سه میدان گازی دریای خزر، یعنی میدان‌های سردار، آذری، و چراغ، با یکدیگر اختلاف دارند و هر یک از آن‌ها مدعی مالکیت بر این میدان‌ها هستند. مجادله سیاسی اخیر یکی از جدی‌ترین تنش‌ها در حوزه دریای خزر به شمار می‌آید. درگرم‌گرم این مجادله لفظی و سیاسی، سرپرست وزارت نفت ترکمنستان به طور صریح فعالیت کنسرسیوم بین‌المللی آ- ای- او- سی، در بردارنده شرکت‌های نفتی برتیش پترولیوم، شورون، اکسون موبایل، هس، استات اویل، و اینپکس، در دریای خزر و میدان‌های گازی آن، مغایر با حقوق بین‌المللی نامید .

جمهوری اسلامی نیز در پی اوج گیری این مجادله اعلام داشت که، ۳ زیر دریایی نیروی دریایی ارتش را وارد آب های دریای خزر خواهد کرد. روسیه نیز ضمن هشدار به کشورهای فرامنطقه ای، از بستن قرارداد از سوی ترکمنستان و باکو با انحصارهای فراملی نفت و گاز، بدون روشن شدن نظام حقوقی دریای خزر، انتقاد کرد. اختلاف ها و تنش در حوزه دریای خزر و منطقه قفقاز، همزمان با سفر چندی پیش مقام های وزارت خارجه آمریکا شدت پیدا کرد، که نشانگر نقش آمریکا و دیگر قدرت های فرامنطقه ای در شکل گیری تحولات و نزاع های منطقه است. به نظر می آید که، دامنه اختلاف ها به ویژه با روسیه بر سر برخی از مهم ترین بحران های کنونی جهان از جمله بحران سوریه، از خاورمیانه به سمت قفقاز، حوزه دریای خزر، و آسیای میانه، امتداد پیدا می کند. در این زمینه، به سیاست به وجود آوردن بی ثباتی در رابطه بین کشورهای حوزه دریای خزر از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا، نباید بی توجه بود. سفر مقام های ارشد نظامی و سیاسی آمریکا و اتحادیه اروپا به کشورهای حوزه دریای خزر و آسیای میانه، به ویژه در آستانه نشست مشهور به کنفرانس کشورهای قلب آسیا در افغانستان، بُعد و سرعت بیشتری پیدا کرد، به خصوص اینکه، آمریکا افغانستان را در زمره متحدان نزدیک خود قرار داده است. در این زمینه نباید فراموش کرد که، تحولات بسیار پراهمیت در حوزه دریای خزر، قفقاز، و آسیای میانه، بخشی از روندهای پرتنش بین المللی است. رقابت های حاد بین کشورهای منطقه از یک سو، و رقابت میان قدرت های فرامنطقه ای از سوی دیگر، ادامه و امتداد کنش ها و واکنش های بسیار جدی عرصه بین المللی به شمار می آیند. بی جهت نبود که رییس جمهوری چین به هنگام امضای بیانیه مشترک کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، با صراحت ضمن اشاره به تحولات منطقه اوراسیا، اعلام کرد که، کشورهای عضو باید در مسایل

بین‌المللی و منطقه‌ای با تقویت و تبادل و هماهنگ سازی موضع‌گیری‌های خود، براساس حقایق و منافع مشترک کشورهای عضو، هماهنگ تر حرکت کنند ... این سازمان (سازمان همکاری شانگهای) باید به خانه‌ی هماهنگ با پشتوانه‌ای قوی برای امنیت و ثبات منطقه، نیروی محرکه‌ی برای توسعه اقتصادی منطقه، و سکویی موثر برای توسعه مبادله‌های بین‌المللی و گسترش تاثیرهای بین‌المللی تبدیل شود.

منطقه حوزه دریای خزر و آسیای میانه، به دلیل منابع سرشار نفت و گاز و همجواری با روسیه، چین، خاورمیانه، و شبه قاره هند، در معادله‌های بین‌المللی دارای نقش بی‌بدیل است. از همین روی است که رقابت‌های سخت، تنگاتنگ، و نفس‌گیر جاری در این منطقه‌ها، بر روندهای کنونی جهان معاصر به خصوص مسئله توازن قوا در سطح بین‌المللی تاثیر داشته و دارد. نباید از نظر دور داشت که این منطقه‌ها از جمله حوزه‌های نزدیک و اثرگذار بر منافع و امنیت پاره‌ی از کشورهای پرنفوذ عضو سازمان همکاری شانگهای و مجمع کشورهای بریکس محسوب می‌شوند .

میهن ما ایران، به لحاظ موقعیت جغرافیایی منحصربه‌فرد خود، دارای توان بالفعل و بالقوه برای نقش‌آفرینی بسیار موثر در تحول‌های این منطقه است، که تاکنون در سایه سیاست‌های ضد ملی رژیم ولایت فقیه، ایران نتوانسته از امکان‌ها و توانایی‌های خود بهره لازم را ببرد و به یک بازیگر درجه اول در منطقه تبدیل شود. ایران تاکنون از طرح‌های اصلی و کلیدی انتقال نفت و گاز این منطقه برکنار مانده است و در هیچ پیمان و توافق چند جانبه نقش جدی نداشته است. در این زمینه چند رشته رخ داد می‌تواند سیاست انفعالی جمهوری اسلامی در منطقه را آشکارتر سازد. در حالی که ایران به دلیل منابع نفت و گاز، تجربه و تسلط فنی به

امور انرژی و پتروشیمی از زمره کشورهای مطرح است و فرآورده‌های پتروشیمی از اصلی‌ترین صادرات کشور به شمار می‌آیند، درتوافق‌های دو جانبه و چند جانبه نفت، گاز، و پتروشیمی بین کشورهای منطقه، ایران هیچ جایگاهی ندارد، اما دولت ترکیه، با حمایت فعال انحصارهای فراملی، در این زمینه سخت فعال است. درست زمانی که تنش میان تهران و باکو اوج گرفته بود و رژیم ولایت فقیه بی توجه به منافع ملی و پیوندهای گسست‌ناپذیر با جمهوری آذربایجان برطیل تشنج و درگیری لفظی-دیپلماتیک می‌کوبید، شرکت دولتی نفت باکو- سوکار- برای توسعه سرمایه‌گذاری‌های خود در زمینه انرژی و پتروشیمی، ۱۷ میلیارد دلار دیگر در ترکیه سرمایه‌گذاری کرد .

همچنین در غیاب معنادار ایران، ترکیه با سرمایه دولت باکو، عملیات ساخت پالایشگاه جدید در خاک ترکیه را آغاز کرده است. هدف آنکارا از گسترش روابط با باکو به ویژه در عرصه نفت و گاز، تبدیل شدن ترکیه به ترمینال و ترانزیت انرژی حوزه دریای خزر به جهان است. این سیاست از چند طریق دنبال می‌شود: همکاری موثر آنکارا با ناتو در مسئله سوریه، تنش آفرینی در قبال مسئله یونان و قبرس، و نیز ایفای نقش ژاندارمی در شرق مدیترانه، که وجه‌های دیگر سیاست ترکیه‌اند. ۲۰ خرداد ماه، رسانه‌های بین‌المللی اعلام کردند که، دولت یونان با انتشار یک گزارش به نقض حریم هوایی خود از سوی ترکیه اعتراض کرد. دولت یونان تاکید کرده بود که، هواپیماهای نظامی ترکیه به گونه‌ای خطرناک حریم هوایی یونان را نقض می‌کنند. به علاوه، باتوجه به وضعیت یونان و مشکل‌های آن، دولت آنکارا در اقدامی تنش‌زا اعلام داشت که، ریاست دوره ای قبرس براتحادیه اروپا را نمی‌پذیرد. داود اوغلو در این زمینه به خبرنگاران گفت که، در دوره ریاست قبرس براتحادیه اروپا روابط ترکیه را با ریاست دوره ای اتحادیه به

حال تعلیق در می آورد. ترکیه همزمان با این مانورهای خود که در واقع تلاش برای خنثی سازی رقیبان و تقویت امکان‌های خود در منطقه است، در پی تحکیم موقعیت خود در معادله‌های سیاسی- امنیتی و اقتصادی حوزه دریای خزر و قفقاز است. ۲۰ خرداد ماه، رسانه های همگانی گزارش دادند که، ترکیه با گرجستان و دولت باکو تفاهم‌نامه همکاری منطقه‌ای امضا کرده است. ایرنا در این زمینه نوشت: در نشست وزرای امور خارجه ترکیه، گرجستان و جمهوری آذربایجان تفاهم نامه‌هایی در بخش‌های سیاسی و اقتصادی منطقه‌ای بین سه طرف به امضاء رسید ... همکاری‌ها برای احداث پروژه‌هایی در دریای سیاه، خزر و مدیترانه خواهد بود ... وزیر خارجه ترکیه اظهار داشت، خط انرژی باکو-تفلیس- جیحان و پروژه راه آهن باکو- تفلیس- قارص موجب پیوستن مهمترین خط منطقه اروپا- آسیا شده و این به معنای آن است که جاده ابریشم مجددا فعال می شود ...برگزاری چنین نشست هایی ثبات وامنیت در منطقه قفقاز را در پی دارد.

علاوه بر این، روسیه نیز جایگاه و موقعیت خود را در منطقه محکم می‌کند. اتحاد راهبردی اخیر میان قزاقستان- قرقیزستان با حمایت فعال روسیه کاملا در جهت بالا بردن نقش مسکو در معادله‌های منطقه حوزه دریای خزر و آسیای میانه است. روسیه همچنین با ارایه طرح‌های اتصال نفت و گاز به اتحادیه اروپا، ضمن کسب درآمد هنگفت مالی، قدرت مانور سیاسی خود را نیز تقویت می کند. هم اکنون دو طرح راهبردی یکی موسوم به جریان جنوبی و دیگری خط لوله جریان شمالی برای انتقال گاز به اروپا، در دستور کار قرار دارد. خبرگزاری روسی ریائوستی، ۱۲ خرداد ماه، گزارش داد: بریتانیا و کشورهای اسکاندیناوی نسبت به انتقال گاز از طریق خط لوله جریان شمالی علاقه نشان می‌دهند. این مطلب را ولادیمیر پوتین رییس

جمهوری روسیه در نشست خبری پس از پایان مذاکرات با آنگلا مرکل صدر اعظم آلمان در برلین پایتخت این کشور اعلام کرد.

درخصوص خط‌های انتقال نفت و گاز حوزه دریای خزر به جهان باید به شکست طرح جمهوری اسلامی برای اتصال گاز به شبه قاره هند نیز اشاره کرد. توافق نامه برای احداث خط لوله موسوم به تاپی میان ترکمنستان، پاکستان و هند از راه افغانستان، نشانه روشن دیگری از حذف ایران در معادله‌های پراهمیت منطقه ای است. ناکامی‌های پی در پی جمهوری اسلامی در رقابت‌های منطقه به ویژه در حوزه دریای خزر و قفقاز، چالش‌های جدی برای منافع و امنیت ملی ایران پدید آورده است و نمی باید در قبال آن سکوت اختیار کرد. ایران از هر نظر دارای توان و پتانسیل ضرور برای ایفای نقش موثر ودرجه اول درتحول‌های منطقه است. این توان و امکان‌ها در اثر ماجراجویی، سیاست های ضدملی، و ماهیت واپس مانده رژیم ولایت فقیه، راکد مانده و به هرز می رود. در تحول‌های پراهمیت حوزه دریای خزر، قفقاز، و آسیای میانه، تامین منافع ملی ایران در گرو صلح، ثبات، دوستی و همکاری به طور متقابل سودمند با همسایگان است. در پیش گرفتن سیاست خارجی ای فعال و مبتنی بر حفظ حقوق و منافع ملی کشور، یگانه راهکار به منظور تاثیرگذاری بر تحول‌های این منطقه‌ها است. تجربه نشان می‌دهد که رژیم ولایت فقیه جوهره و توان تامین و تضمین حقوق راستین، امنیت، و منافع ملی ایران را نداشته و ندارد.

به نقل از نامه مردم، شماره ۹۰۰، ۹ مرداد ماه ۱۳۹۱

<https://www.tudehpartyiran.org/2013-11-28-19-45-55/1668->



مطابق گزارش رسانه های بین المللی، حوادث کنونی در کشورهای عربی از جمله انگیزهای اتحادیه اروپا برای واردات گاز از حوزه دریای خزر بوده است. در این باره، مسئولان انرژی اروپا اعلام کرده اند که، گاز حوزه دریای خزر برای غرب، مرکز، و جنوب اروپا در نظر گرفته شده است، زیرا منابع انرژی لیبی برای تأمین بازار فرانسه و ایتالیا کفایت می دهد و به همین دلیل طرح هایی نظیر احداث شاه لوله "ترانس کاسپین" و خط لوله "ناباکو" در دستور کار قرار دارند.

افتتاح شاه لوله انتقال گاز روسیه به اروپا از سوی رسانه های بین المللی نقطه عطفی در امر تأمین انرژی ارزیابی شد. این خط لوله راهبردی در حالی گشایش یافت که در پی تحولات اخیر منطقه خاور میانه و شمال آفریقا، بار دیگر نگاه ها به سوی منابع سرشار نفت و گاز حوزه دریای خزر دوخته شده اند.

شورای اتحادیه اروپا، در گرماگرم حمله های ناتو به لیبی در اواسط شهریور ماه، تصمیم گرفت که با دولت باکو و جمهوری ترکمنستان برای احداث یک شاه لوله گاز در بستر دریای خزر وارد مذاکره شود. گرچه احداث این شاه لوله به دلیل دشواری های موجود پیرامون رژیم حقوقی بزرگ ترین دریاچه جهان با مشکلاتی روبه رو است و مخالفت روسیه را برانگیخته است، اما سران اتحادیه اروپا و شماری از انحصارهای فراملی - به ویژه بریتیش پترولیوم، توتال، و شل - خواهان اجرای این طرح و کاهش وابستگی اروپا به منابع گاز روسیه اند. پیش از سفر هفته های اخیر رییس جمهوری اتریش، به کشورهای این منطقه و دیدار سه روزه او از باکو [پایتخت جمهوری آذربایجان] و عشق آباد [پایتخت جمهوری ترکمنستان]،

مانویل بارُسو، رییس کمیسیون اتحادیه اروپا، و گونتر اوبتنگر، کمیسر انرژی این اتحادیه، از باکو و عشق آباد دیدن کردند و مقدمات توافق نامه برای تأمین گاز اروپا را فراهم آورده بودند. سفر مقام‌های ارشد اتحادیه اروپا به منطقه حوزه دریای خزر، و حمایت آمریکا از سیاست کاهش وابستگی اروپا به گاز روسیه، به معنای تمرکز اتحادیه اروپا بر باکو و ترکمنستان به منظور واردات گاز از این دو کشور است. مطابق گزارش رسانه‌های بین‌المللی، حوادث کنونی در کشورهای عربی از جمله انگیزه‌های اتحادیه اروپا برای واردات گاز از حوزه دریای خزر بوده است. در این باره، مسئولان انرژی اروپا اعلام کرده‌اند که، گاز حوزه دریای خزر برای غرب، مرکز، و جنوب اروپا در نظر گرفته شده است، زیرا منابع انرژی لیبی برای تأمین بازار فرانسه و ایتالیا کفاف می‌دهد و به همین دلیل طرح‌هایی نظیر احداث شاه لوله "ترانس کاسپین" و خط لوله "ناباکو" در دستور کار قرار دارند. طرح‌های اتحادیه اروپا با مخالفت روسیه روبه‌رو گردیده است، و جمهوری اسلامی نیز همراه با سیاستی منفعل، نارضایتی خود از طرح‌های مزبور را نشان می‌دهد. سیاست غیر فعال و مغایر با منافع ملی رژیم ولایت فقیه در حوزه دریای خزر، امکان‌ها و فرصت‌های بسیاری را از دست داده است و منجر بدان گردیده تا موقعیت میهن ما در معادله‌های حوزه دریای خزر موقعیتی شکننده باشد. حال آنکه در صورت در پیش گرفته شدن سیاستی مبتنی بر احترام به حقوق همسایگان و تأمین منافع ملی، ایران - یعنی کوتاه‌ترین، اقتصادی‌ترین، و امن‌ترین راه انتقال گاز به اروپا - موقعیتی برتر در این عرصه کسب می‌کند. به هر روی، اکنون رقابت اصلی در حوزه دریای خزر میان روسیه و اتحادیه اروپا بالا گرفته است، و ایران کماکان نقش ناظری منفعل و ناراضی را ایفا می‌کند.

خبرگزاری ایرنا ۱۴ آبان ماه، در گزارشی پیرامون قوانین جدید گازی اتحادیه اروپا، از قول معاون دومای روسیه، نوشت: "شرکت گاز پروم روسیه که ۳۰ درصد گاز مصرفی کشورهای اروپایی را تأمین می‌کند، قوانین جدید انرژی اروپا را علیه خود به عنوان تأمین کننده عمده انرژی این قاره می‌داند ... قوانین جدید انرژی اتحادیه اروپا به نام پکت سوم انرژی امنیت انرژی این قاره را مختل می‌کند". این رقابت به تنش‌های خطرناکی در حوزه دامن زده است .

درست به فاصله چهار ماه پس از دیدار بارُسو، رییس کمیسیون اتحادیه اروپا، از منطقه و تأکید بر احداث شاه لوله میان ترکمنستان و باکو از طریق بستر دریای خزر به طول ۲۰۰ کیلومتر، روسیه یک رزمایش بزرگ نظامی در خزر برگزار کرد و ارتش روسیه نیز رسماً اعلام داشت تا سال ۲۰۲۰ میلادی ناوگان نیروی دریایی این کشور در خزر به شانزده رزمناو مجهز خواهد شد. همزمان با سفر رییس جمهور اتریش از منطقه نیز روزنامه روسیه با صراحت ضمن محکوم کردن سیاست‌های اتحادیه اروپا در زمینه منابع انرژی دریای خزر نوشتند "از دریای خزر بوی گاز و جنگ می‌آید.[!]"

بدون کم‌ترین تردید، احداث شاه لوله از بستر دریای خزر میان ترکمنستان و باکو، نه تنها دربردارنده خطرهای زیست محیطی برای بزرگ‌ترین دریاچه جهان است، بلکه از نقطه نظر معادله‌های سیاسی، امنیتی، و اقتصادی منطقه در مغایرت با منافع و حقوق مسلم ایران قرار گرفته و می‌گیرد. در مورد خط لوله "ناباکو" نیز، بهره‌برداری از پروژه این شاه لوله راهبردی بدون حضور ایران عملی نخواهد شد، زیرا عبور قسمت‌هایی از این شاه لوله از ایران اولاً هزینه طرح را کاهش می‌دهد، و ثانیاً ایران در مقام دومین دارنده ذخایر گاز طبیعی جهان، تأمین کننده بخش اعظم گاز صادراتی به اروپا خواهد بود. بدون منابع گازی ایران خط "ناباکو" قادر به

تأمین گاز مصرفی اروپا نیست. اصولاً ایران با توجه به موقعیت منحصر به فرد جغرافیایی، ذخایر عظیم گاز، امکان‌های فنی، و نیروی انسانی مجرب‌اش در عرصه نفت و گاز، می‌باید از بازیگران عمده بازار گاز جهان و به ویژه معادلات منطقه حساس حوزه دریای خزر و آسیای میانه باشد. اما به رغم این ظرفیت‌ها، اکنون ایران در موضع انفعال و زیر فشار ناشی از تحریم‌ها قرار دارد، و دیپلماسی ضد ملی دولت احمدی نژاد به انزوای بیش از پیش کشور ما در عرصه‌های مختلف دامن زده است. ویژه نامه روزنامه اعتماد ۹ آبان ماه، در این خصوص گزارش داد: "ایران نتوانست نقطه ثقل گاز منطقه شود ... ترکیه می‌خواهد گاز را از روسیه، آذربایجان و ایران بخرد و خود به اروپا انتقال دهد تا منافع استراتژیک ببرد ... روسیه می‌خواهد حرف اول را در صادرات گاز به اروپا بزند آن‌ها می‌خواهند تا مسایل سیاسی و استراتژیک کشورشان را پیش ببرند ... ایران بهترین شرایط ممکن را برای تبدیل شدن به بزرگ‌ترین مرکز داد و ستد غرب آسیا و جنوب شرقی اروپا را دارد ... تا امروز نتوانسته ایم ... موفق باشیم." با ادامه سیاست‌های کنونی، شدت پیدا کردن تحریم‌ها، و موضع‌های مغایر با جایگاه و منافع ملی، میهن ما هرگز نخواهد توانست در اوضاع بسیار حساس و بغرنج جهانی از حقوق خود دفاع کند و نقش شایسته خود را در حکم یکی از کلیدی‌ترین کشورهای صادر کننده گاز ایفا کند. در این زمینه با برگماری پاسدار قاسمی به عنوان وزیر نفت، برنامه خصوصی سازی صنعت ملی نفت ایران با برنامه ریزی دقیق آغاز شده است .

خبری که چندی پیش به صفحه‌های مطبوعات کشور درز پیدا کرد، گویای نقشه‌های مخرب ولی فقیه، سپاه پاسداران، و دولت احمدی نژاد است. روزنامه اعتماد ۴ آبان ماه، گزارش داد: "خطر مالکیت پیمانکاران خارجی مخازن نفت و گاز؛ تفاوت

عباراتی در قانون جدید وزارت نفت که فوریت آن در مجلس به تصویب رسیده با آنچه در ماده ۱۲۹ قانون برنامه پنجم مصوب شده بیانگر ابهامی است که در صورت عدم توجه ممکن است موجب به رسمیت شناخته شدن حق حاکمیت و مالکیت پیمانکار و سرمایه گذار داخلی و خارجی بر بخشی از مخازن نفت و گاز شود".

با چنین برنامه ای سرانجام تولید و صدور گاز ایران از هم اکنون مشخص است. تحولات منطقه، حضور گسترده تر انحصارهای فراملی در صنایع نفت و گاز منطقه، و اشتهای سیری ناپذیر آنها برای تسلط کامل بر تمامی منابع و ذخایر انرژی، لزوم توجه دقیق به موقعیت میهن ما را دو چندان می‌سازد. ایران مَفصل دو مرکز بزرگ نفت و گاز جهان، خلیج فارس و دریای خزر است. این موقعیت، در صورت طرد استبداد ولایی، تأمین حق حاکمیت مردم و اتخاذ سیاست‌های واقع‌بینانه و مبتنی بر تأمین منافع ملی، جایگاه، نقش، و تأثیر گذاری ایران بر روندهای منطقه ای را ژرفش و افزایش می‌دهد. فراموش نباید کرد که، تحولات جهانی و ظهور قدرت‌های نو در معادله‌های سیاسی و اقتصادی، و مناسبات تاریخی و دیرینه ما با تعدادی از این قدرت‌ها (چین و هند) امکان‌های بزرگی را در مسیر تقویت نقش ایران در حوزه دریای خزر پدید می‌آورد. تعیین هر راهبردی می‌باید این واقعیت را لحاظ کرده و دربردارنده آن باشد. تأمین منافع ملی ایران، به ویژه در حوزه دریای خزر، تنها زمانی صورت واقعیت به خود می‌گیرد که سیاستی مبتنی بر احترام متقابل و تعامل با همه کشورها بدون استثنا در اولویت دیپلماسی ایران قرار گیرد. رژیم ولایت فقیه ثابت کرده است که قادر به تأمین حقوق راستین مردم ایران و منافع ملی کشور نیست.

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۸۲، ۳۰ آبان ماه ۱۳۹۰

<https://www.tudehpartyiran.org/2013-11-28-19-45-55/1482>

منتشر شده در - آذر ۰۱، ۱۳۸۹

حل مسئله تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، می بایست بر اساس دیپلوماسی بی فعال، با نظر داشتِ واقعیت های موجود بین المللی و امکانات قانونی تامین کننده منافع کشورمان، استوار باشد. در عمل اما سیاست های غیر اصولی، سهل انگارانه و بندوبست گرایانه و مصالحه جویانه رژیم "ولایت فقیه" سبب شده است تا نقش میهن مان در عرصه مسایل مربوط به آینده بهره برداری از منابع دریای خزر هرچه کم رنگ تر شود. پس از کنفرانس دوروزه تهران در مورد تدوین رژیم حقوقی دریای خزر، آنچه که مشخص شده، عدم توافق بر سر چگونگی تقسیم دریای خزر و بستر آن است که بار دیگر همچون دو دهه گذشته به کنفرانس های آتی محول شده است. با طولانی تر شدن زمان تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، ایران در عمل، توان و امکان تاثیر گذاری بر این روند را به دلیل منفعل بودن سیاست خارجی اش از دست می دهد، و این در زمانی است که کشورهای دیگر به فعالیت های اقتصادی و سیاسی خود در این زمینه می افزایند. پس از فرو پاشی اتحاد شوروی، سران رژیم ولایت فقیه با نادیده گرفتن قرار دادهای سال های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰، که به ایران حق مالکیت ۵۰ درصدی خزر را می داد، مسئله تقسیم خزر را بر اساس ۲۰ درصد برای هر کشور پذیرفتند. اما با گذشت زمان و سهل انگاری های رژیم "ولایت فقیه"، رفته رفته مسئله تقسیم دریای خزر بر اساس وسعت ساحل هر کشور دانسته شد - که بر مبنای آن سهم ایران برابر با ۱۲ درصد خواهد بود- و از سوی روسیه مختومه اعلام شد. البته سران رژیم، برای سرپوش گذاشتن بر این شکست سیاسی و اقتصادی مهم، در رسانه های داخلی

“ادعای ۵۰ درصدی از دریای خزر” را مطرح می کنند، که در شرایط کنونی و با در نظر گرفتن ضعف سیاسی رژیم در عرصه بین المللی، در عمل غیر ممکن و غیر عملی می نماید.

در همین رابطه ، محمد مهدی آخوند زاده، معاون حقوقی و بین المللی وزیر امور خارجه ، در مصاحبه ای با رسانه های کشور، در پاسخ به مسئله حفظ سهم ۲۰ درصدی ایران در خزر، گفت: “ما بحثمان فراتر از این است ... بر اساس قرار دادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ حق جمهوری اسلامی ایران در دریای خزر بیشتر از ۲۰ درصد است” (واحد مرکزی خبر صدا و سیما، ۱۹ آبان) .

منطقه خزر از نظر سیاسی و اقتصادی، در سال های اخیر به یکی از مناطق مهم جهان تبدیل شده است، و از همین رو مورد توجه جدی قدرت های بزرگ قرار گرفته است . منابع عظیم نفتی دریای خزر و تلاش برای بهره برداری از آن ها سبب شده است تا مسئله تقسیم سطح و بستر آن ، به یکی از مسایل مهم میان کشورهای حاشیه آن تبدیل شود و با وجود انجام نشست ها و مذاکرات متعدد، هنوز توافقی کامل در مورد آن نتوانسته است صورت بگیرد .

همچنین این منطقه در آینده ای نزدیک به یکی از مهم ترین مراکز استخراج و صدور نفت و گاز تبدیل خواهد شد و به همین دلیل به توافق نامه یی مشترک در مورد تعیین رژیم حقوقی آن نیازمند است. در این میان رژیم ولایت فقیه ، به دلیل ضعف دستگاه دیپلماسی و عدم شرکت فعال در گفت و گوها ی منطقه ای، عملا در حل مشکلات دریای خزر نتوانسته است نقش لازم را ایفا کند. نتیجه چنین سیاستی سبب نا توانی ایران در تعیین چگونگی تقسیم دریای خزر و کاهش سهم بهره برداری کشورمان از منابع موجود در آن شده است .

طی چند سال اخیر کشورهای اطراف ساحل خزر، به غیر از ایران، با انعقاد قرارداد ها و توافق نامه های دو و یا چند جانبه توانسته اند به جذب سرمایه های خارجی دست زده و نقش فعالی را در زمینه انتقال نفت و گاز به اروپا و آسیا را بر عهده گیرند. به دلیل اهمیت منطقه نیز، کشورهای ساحلی دریای خزر تلاش می کنند تا با تقسیم بندی های جدید هرچه بیشتر به سهم خود بیفزایند و در مقابل، سهم ایران را به حداقل برسانند.

در مورد چگونگی تعیین رژیم حقوقی خزر اختلافات بسیار جدی یی وجود دارد که به نظر می رسد با موضع گیری های کنونی دولت احمدی نژاد قابل حل نخواهد بود. در همین مورد، "الکسی موخین"، مدیرمرکز مطالعات سیاسی در مسکو، نیز معتقد است که، اختلافات شدیدی میان روسیه و ایران بر سر مشخص شدن مرزها در دریای خزر وجود دارد. وی می گوید که، تاکنون مرزهای ملی به دلیل اختلاف نظرها مشخص نشده است، و ادامه می دهد: "ایران تلاش می کند مبنای تاریخی را مطرح کند تا سهم بیشتری از دریا بگیرد، ولی این مبنا نمی تواند توافق همه جانبه را کسب کند" (دویچه وله، ۲۴ آبان).

در بحبوحه چنین اختلافاتی، همراه با انفعال مخرب و ناکارایی جمهوری اسلامی، کشورهای دیگر به فعالیت های مشخص اقتصادی و سیاسی خود ادامه داده اند. اقدام های صورت گرفته از سوی ۴ کشور دیگر ساحل خزر، بدون حضور ایران، و پیشنهادهای اعلام شده از سوی این کشورها، به ویژه روسیه، در عمل دست ایران را از دریای خزر، منابع و امکانات ژئوپلیتیک آن کوتاه می سازد. اقدام های ایران طی دو دهه گذشته در رابطه با مسایل دریای خزر تنها در چارچوب دادن بیانیه ها و اعتراض نامه بوده است و هیچ گونه اقدام عملی و موثری در مورد حل مشکلات تعیین رژیم حقوقی خزر صورت نداده است. همزمان، کشورهای دیگر

نشست های بسیاری داشته اند و توافق نامه های فراوانی به امضا رسانده اند که در حال حاضر بر اساس آن ها ، به بهره برداری از منابع خزر و یا ایجاد امکانات ارتباطی و تجاری با آسیا و اروپا اقدام کرده اند. چند نمونه از قرار داد هایی که به امضای کشورهای حوزه دریای خزر، به استثنای ایران، رسیده است، به شرح زیرند :

-قزاقستان و روسیه، در ژوئیه ۱۹۹۸، کلیات قرار دادی در مورد تعیین حدود بستر قسمت شمالی دریای خزر را با هدف اعمال حق حاکمیت برای استفاده از منابع قعر دریا را مطرح کردند، و در ماه مه ۲۰۰۲ نیز سند نهایی آن را به امضا رساندند .

-بنا به گزارش "اکو نیوز" ، در ۱۰ اردیبهشت، آغاز تولید نفت روسیه در مراسم ویژه ای با حضور ولادیمیر پوتین نخست وزیر روسیه انجام شده است.... قزاقستان و آذربایجان نیز با جذب سرمایه گذاری خارجی شرکت های اگزون موبیل و بریتیش پترولیوم و شورون قصد دارند هر چه سریع تر تولید نفت از دریای خزر را آغاز کنند. ترکمنستان و ازبکستان نیز تولید نفت بسیار ناچیزی را از دریای خزر دارند و ایران نیز هنوز تولید نفت در دریای خزر را آغاز نکرده است.... منطقه دریای خزر سومین ذخایر بزرگ نفت و گاز جهان را در اختیار دارد و از این نظر جایگاه مهم و برجسته ای در بازار جهانی انرژی دارد.

-توافق نامه یی میان قزاقستان و آذربایجان، در ۲۹ نوامبر ۲۰۰۱ و فوریه ۲۰۰۲ ، در خصوص تعیین حدود بستر دریای خزر و سند نهایی آن، به امضا رسید .

-همچنین توافق نامه سه جانبه یی بین روسیه، آذربایجان و قزاقستان، در ماه مه ۲۰۰۳، در مورد تعیین مرزهای آبی به امضا رسید .

علاوه بر این ها، و با در نظر گرفتن افزایش اهمیت این منطقه از نظر منابع نفتی و راه های انتقال نفت و گاز روسیه به اروپا و آسیا، این کشورها توانسته اند از طریق برگزاری مناقصه های چندین میلیارد دلاری با شرکت های بزرگ نفتی و گازی دنیا، نقشی جدی تر از ایران ایفا کنند و در عمل ایران را از صحنه رقابت خارج سازند .

در حال حاضر ترکمنستان از طریق خط لوله ترکمنستان به چین، که در سال ۲۰۰۹ به بهره برداری رسید، سالانه ۳۰ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی و با قیمت ۱۹۵ دلار به ازای هر هزار متر مکعب به چین صادر می کند. توافق های دیگری نیز در مورد خطوط نفتی و گازی صورت گرفته است که آخرین آنها شکستی بزرگ برای ایران در رابطه با فروش گاز به هند است .

طی سال های طولانی قرار بود تا از طریق خط لوله موسوم به "صلح"، گاز ایران از طریق پاکستان به هند منتقل شود، اما با احداث خط لوله "ترانس افغانستان"، که گاز ترکمنستان را از طریق افغانستان و پاکستان به هند می رساند، و نیز امتناع روسیه از احداث خط لوله "صلح"، ایران در عمل از بازار های رو به رشد کشورهای چین و هند محروم خواهد شد. خبرگزاری "ریا نووستی" روسیه، ۳۰ مهرماه، گزارش داد: "روسیه از شرکت در احداث خط لوله گاز "ایران- پاکستان- هند" موسوم به خط لوله "صلح" امتناع ورزیده است. "آندره بودنیک" سفیر روسیه در پاکستان اعلام کرد که "هیچ کمپانی روسی به اجرای طرح میان پاکستان و ایران تمایلی از خود نشان نمی دهد". به اعتقاد برخی از کارشناسان امتناع روسیه نشان دهنده آن است که سیاست مسکو در قبال ایران دستخوش تغییر شده و به اعتقاد عده ای از صاحب نظران، این اقدام به معنای گردش روسیه به سوی طرح های پرسودتر است".

ضعف دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی در مورد دریای خزر ، بر گرفته از سیاست های کنونی " رژیم ولایت فقیه " است که به دلیل عدم توانایی در حل مشکلات سیاسی و اقتصادی ، با موضع گیری های غیر منطقی و تشنج آفرین ، و با قربانی کردن منافع ملی ، چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین المللی ، تلاش می کند تا بحران های روز افزون داخلی را با حربه دامن زدن به مشکلات بین المللی، از نظرها پنهان بدارد.

سیاست های غیر مسئولانه سران رژیم، و عدم شرکت فعال در حیطة تامین منافع مردم میهن مان، و نیز بسنده کردن به "شعارهای " عوام فریبانه ، در عمل صحنه را برای حضور رقیبان در قلمرو منافع ایران باز می گذارد، و ثروت های ملی را در معرض تاراج قرار می دهند. چنین سیاست هایی منافع میهن مان را چه در عرصه ملی و چه در عرصه بین المللی به خطر انداخته است.

به نقل از نامه مردم شماره ۸۵۶ ، ۱ آذرماه ۱۳۸۹

<https://www.tudehpartyiran.org/2013-11-28-19-45-55/1197->

حوزه دریای خزر متعلق به کشورهای حاشیه آن است. هرگونه مداخله خارجی به هر شکل و بهانه ای، با منافع این کشورها و امنیت منطقه در تقابل قرار می گیرد. بیست و سومین نشست معاونان وزرای خارجه کشورهای کناره بزرگ ترین دریاچه جهان، در شهر باکو برگزار شد. در این نشست برخی از مهم ترین موضوعات، از قبیل توافق نامه تامین امنیت خزر در چارچوب فعالیت های ادارات و دواير مرزبانی، گمرکی مورد بحث و تبادل نظر قرارگرفت .

در خصوص این جلسه مسئولانِ ذی ربط جمهوری اسلامی واکنش های متفاوتی داشتند که حاکی از نبودِ یک راهبرد منطقی و مبتنی بر منافع ملی ایران در حوزه دریای خزر است! رامین مهمان پرست، سخنگوی وزارت خارجه دولت کودتا، طی گفت و گویی با خبرنگاری مهر، ۱۹ اسفند ماه ۸۸، در ارزیابی بیست و سومین نشست معاونان وزرای خارجه کشورهای حوزه دریای خزر از جمله یادآور شد: "موضوعات مربوط به دریای خزر در چارچوب خاصی مورد بررسی قرار گرفته و جلسات کارشناسی در سطح معاونان وزیر خارجه ادامه دارد و البته تاکنون ۷۰ درصد رژیم حقوقی این دریا مورد توافق کشورهای ساحلی این دریا قرار گرفته است... به زودی در برخی مسایل باید تصمیمات مهمتری درباره رژیم حقوقی دریای خزر اتخاذ شود".

وی این دست مسایل را بحث های مربوط به بستر و زیر بستر دریا، منطقه سرزمینی، وضعیتِ دریاچه خزر از نظر نظامی و به طور کلی تقسیم دریا برای هر کشورِ معین عنوان ساخت، که هر یک در جای خود از نقطه نظر امنیت و منافع ملی حائز اهمیت بسزایی هستند. چندی پیش هنگام بیست و ششمین جلسه

گروه کاری ویژه تدوین کنوانسیون نظام حقوقی دریای خزر، که در سال گذشته در عشق آباد پایتخت ترکمنستان برگزار شد، امپریالیسم آمریکا در اقدامی تحریک آمیز و مداخله جویانه اعلام داشته بود که، ایالات متحده آماده همه گونه کمک و مساعدت به دولت باکو و جمهوری ترکمنستان در خصوص تقسیم دریای خزر و تنظیم یک نظام حقوقی برای آن است. آن زمان، مشاور ارشد فرستاده ویژه وزارت خارجه آمریکا در امور نفت و گاز آسیای میانه و حوزه دریای خزر، در جریان دیدار از نمایشگاه بین المللی انرژی ترکمنستان ۲۰۰۹، گفته بود که، آمریکا به حل اختلافات میان دولت باکو و ترکمنستان در دریای خزر یاری خواهد رساند. حل مناقشات از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا سرانجام طرح راهبردی شاه لوله "ناباکو" به این موضوع بستگی تام دارد. در پی این موضع گیری، اتحادیه اروپا نیز وارد ماجرا شده و خود را در تنظیم رژیم حقوقی برای دریای خزر «ذی نفع» دانست و کنسرن آلمانی "آر-دبلیو-دی-دا" که یکی از سهامداران اصلی طرح شاه لوله گازی ناباکو است، رسماً فعالیت خود را در جنوب شرقی دریای خزر، در سواحل ترکمنستان، آغاز کرد. مدیر عامل این کنسرن بزرگ، در توضیح علت آغاز فعالیت در آب های خزر، خاطر نشان کرد: "گاز این دریا برای اروپا اهمیت زیادی دارد".... از آن هنگام تا به امروز، که معاونان وزرای خارجه کشورهای کناره دریای خزر در نشست خود پیرامون مباحث مختلف به گفت و گو و تدوین طرح هایی مشغول هستند، آمریکا و اتحادیه اروپا سیاست اعمال فشار آشکارتری را با هدف تحکیم موقعیت خود و انحصارات فراملی در منطقه تعقیب می کنند.

حضور کشورهای فرا منطقه ای، به ویژه اعضای اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا، به تنش و بحران در مناسبات میان کشورهای حوزه دریای خزر دامن می زند. حل مسایل، به ویژه تنظیم یک نظام حقوقی، صرفاً در پرتو رشد مناسبات و

همکاری های همه جانبه متکی بر روح احترام به حقوق هر کشوری امکان پذیر است، امری که مداخله جویِ امپریالیسم با آن در تقابل جدی قرار داشته و خواهد داشت. فراموش نکرده ایم که در اوج تنش میان دولت باکو و جمهوری ترکمنستان بر سر مالکیت منابع نفتی فلات قاره، خصوصاً میدان نفتی چراغ در آب های خزر، شرکت انگلیسی بریتیش پترولیوم با یک سرمایه گذاری هنگفت و با سوء استفاده از فضای خصومت و بی اعتمادی میان باکو و عشق آباد، قرار دادی طولانی مدت و به شدت یک جانبه و ناعادلانه را به دولت باکو تحمیل کرد، قرار دادی که در آن بریتیش پترولیوم ۷۵ درصد سهم و باکو فقط ۲۵ درصد سهم را در اختیار دارند. اکنون برپایه آن قرار داد، بخش مهم صادرات نفت و گاز و سرمایه گذاری در شاه لوله " باکو-چیچان " در چنگ بریتیش پترولیوم (انگلستان) قرار دارد. اکنون نیز امپریالیسم آمریکا که بیش از ۱۰ سال است از ذخائر نفت و گاز حوزه خزر بهره برداری می کند، با سیاست های مداخله جویانه و تحریک آمیز می کوشد تا منابع دیگری که عمدتاً بین ایران، ترکمنستان و دولت باکو واقع شده و بر سر مالکیت آنها اختلاف وجود دارد، تصاحب کند و ضمن استفاده از سود سرشار، به لحاظ سیاسی نیز موقعیت خود را در یکی از مناطق فوق العاده با اهمیت جهان تقویت و تحکیم بخشد. در چنین اوضاعی، بحث تدوین نظام حقوقی دریاچه خزر اهمیت دو چندان کسب می کند.

ایران می تواند و باید از موقعیت منحصر بفرد جغرافیایی- ژئوپلیتیک خود به سود تامین منافع ملی، تقویت جایگاه ایران و صلح و دوستی و پیشرفت اجتماعی- اقتصادی منطقه بهره مند شود. ایران نقطه اتصال، و یا به بیان دقیق تر، مفصل آسیای میانه، قفقاز، حوزه دریای خزر و خلیج فارس و اقیانوس هند است، و حمل و ترانزیت نفت، گاز و کالاهای گوناگون از راه ایران کم هزینه، اقتصادی و سودآور

است. تاکنون به علت سیاست مداخله جویانه امپریالیسم، به ویژه امپریالیسم آمریکا، و نیز مواضع نادرست، مغایر با منافع ملی و ماجراجویانه رژیم ولایت فقیه و در چند سال اخیر دولت ضد ملی احمدی نژاد، ایران جایگاه شایسته و واقعی خود را به دست نیاورده و از این روی به حقوق تاریخی و حقه مردم میهن ما لطمات جدی وارد آمده است. بنابراین، اتخاذ تصمیمات مهم از جمله چگونگی تعیین و تنظیم نظام حقوقی دریای خزر و استفاده از منابع مختلف آن با سرنوشت کشور ما در حال و آینده رابطه مستقیم و ناگسستنی دارد. در واقع، تامین امنیت ملی کشور ما ارتباط تنگاتنگ با معادلات دریای خزر داشته و دارد. از این روی، مباحث بسیار مهم نظیر چگونگی استفاده و یا تقسیم منابع بستر و زیر بستر دریای خزر، روش های تقسیم آب، ترتیبات امنیتی و حوزه ها و میادین مشترک نفت و گاز می باید با حساسیت دنبال و مورد توجه قرار گرفته و در چارچوب منافع ملی و حقوق حقه تاریخی مردم ایران حل و فصل شود. تاکید بر حل و تقسیم منصفانه که برکنوانسیون های بین المللی و حقوق دریاها و دریاچه ها قرار دارد، از جمله اولویت های سیاست ایران در تعیین و تنظیم نظام حقوقی دریای خزر به شمار می آید .

حوزه دریای خزر متعلق به کشورهای حاشیه آن است. هرگونه مداخله خارجی به هر شکل و بهانه ای، با منافع این کشورها و امنیت منطقه در تقابل قرار می گیرد. تامین منافع ملی ایران باید در فضایی به دور از تنش و ماجراجویی تعقیب و پیگیری شود. پیوندهای تاریخی- فرهنگی و اجتماعی میان کشورهای منطقه زمینه مساعدی برای همکاری های متقابلاً سودمند و تقویت و تحکیم صلح و دوستی در حوزه دریای خزر است!

<https://www.tudehpartyiran.org/2013-11-28-19-45-55/994>



در اوایل دی ماه، منوچهر متکی، وزیر خارجه دولت احمدی نژاد، در جریان مراسم عید غدیر در وزارت خارجه، طی گفت و گویی با خبرنگاران، با رد و انکار سهم ایران از دریای خزر بر مبنای قراردادهای قبلی میان دولت های وقت ایران و اتحاد شوروی، مدعی گردید که، سهم ایران همواره ۳/ ۱۱ درصد از دریای خزر بوده است.

سخنان و موضعگیری وزیر خارجه دولت ارتجاع زمانی اهمیت می یابد که بدانیم، براساس توافق به عمل آمده میان ۵ کشور ساحلی خزر، قرار است کارشناسان ارشد این کشورها در اواخر ماه ژانویه سال نو میلادی (۲۰۰۸) در تهران ملاقات کرده و با بررسی موضوع حیاتی چگونگی تعیین نظام حقوقی بزرگترین دریاچه جهان زمینه تصمیم نهایی در این خصوص را فراهم آورند.

قبل از ایراد سخنان غیر قابل پذیرش و سئوال برانگیز وزیر خارجه دولت احمدی نژاد در مورد سهم ایران از دریای خزر، چند رویداد مرتبط با تحولات و مناسبات میان کشورهای ساحلی این دریا مورد توجه رسانه های داخلی و خارجی قرارگرفت، نخست آنکه دولت پوتین مقدمات نهایی احداث خط لوله گاز دریای خزر به اروپا از سوی روسیه با مشارکت ترکمنستان و قزاقستان و نیز ازبکستان را آماده و گام های اجرایی آن را به پیش برداشت. متعاقب این حرکت روسیه، ترکمنستان از نزدیکی دیدگاه این کشور به مسکو در خصوص تعیین نظام حقوقی دریای خزر خبر داد و قزاقستان نیز بار دیگر قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میان شوروی و ایران در باره دریای خزر را، برخلاف عرف و حقوق شناخته شده و معتبر بین المللی، "قرار دادهای متعلق به گذشته" نامید و بر توافق با روسیه در این مورد تاکید کرد!

به دنبال این تحولات، در اوایل دی ماه ترکمنستان با اعلام اینکه خط لوله انتقال گاز به ایران احتیاج به پاره ای تعمیرات دارد، صادرات گاز خود به ایران را متوقف ساخت که این امر منجر به قطع گاز در چند استان شمالی کشور و پدید آمدن مشکلاتی عمده برای اهالی این استان ها شد.

از سوی دیگر دولت پوتین نسبت به امضاء توافق نامه میان ایران و جمهوری خود مختار داغستان برای توسعه بنادر و مناطق ساحلی و همکاری در زمینه کشتی رانی واکنش سرد نشان داد و رییس جمهور داغستان به خبرگزاری "نووستی"، اواخر آذر ماه، اعلام داشت: "ایران بسیار خواستار همکاری با ماست، این همکاری شامل جا به جایی بارها و حمل و نقل می شود که ما نیز در آن ذینفع هستیم، نمی دانم چگونه اوضاع پیش برود، از طرف ایران مشکلی وجود ندارد." با توجه به این تحولات در منطقه استراتژیک دریای خزر و با در نظر داشت، قرار تشکیل جلسه مهم برای تصمیم راجع به نظام حقوقی خزر، سخنان وزیر خارجه دولت ارتجاع و عدول از موضع رسمی و به حق ایران مبنی بر استفاده عادلانه و منطبق بر قرار دادهای منعقد شده بین المللی از دریای خزر و اعلام یک سهم ساختگی یعنی عدد ۳ / ۱۱ درصد چه معنایی می تواند داشته باشد؟! در مورد نظام حقوقی دریای خزر حق ایران به هیچ رو غیر منطقی و فاقد پایه حقوقی نیست. همین واقعیت است که تاکنون مانع قطعیت یافتن موضع روسیه پیرامون نظام حقوقی خزر گردیده.

خبرگزاری "نووستی"، ۳۰ خرداد ماه، ضمن درج گزارش کنفرانس وزیران خارجه کشورهای حاشیه دریای خزر در تهران نوشت: "ایران بر افزایش مرزهای آبی در خزر اصرار دارد. تاکنون روسیه، قزاقستان و آذربایجان توافق نامه های دو جانبه

ای برای تعیین ۶۴ درصد از آبهای خزر امضاء کرده اند، اما ایران آنها را به رسمیت نمی شناسد".

علت به رسمیت نشناختن توافقات روسیه با قزاقستان و دولت باکو و نارضایتی روسیه از این سیاست نیز همان موضع به حق و وجود قراردادهای دو جانبه ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میلادی است که پشتوانه حقوقی مستحکمی برای ایران محسوب می شود و روسیه به آن آگاهی دارد.

تا پیش از سخنان متکی و موضع دولت ضد ملی احمدی نژاد، ایران با تاکید بر عهد نامه های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ و عدم پذیرش اقدامات یکجانبه و فاقد مبنای حقوقی روسیه در تعیین مرز آبی با جمهوری قزاقستان و دولت باکو، بر حفظ حداقل حقوق حقه خود یعنی ۲۰ درصد آب های مجاور تاکید و این سیاست را پیش می برد. در واقع ایران براساس حقوق معتبر بین المللی در پهنای دریای خزر دارای حقوق مشروع و مشترک با دیگران است، و بر این مینا برای حفظ حداقل تا ۲۰ درصد سهم دریا، اجازه حضور و دخالت را به دیگران در این محدوده ۲۰ درصدی نمی دهد و این سیاست به لحاظ حقوقی حق مشترک و کلی ایران از دریای خزر را نقض نمی کند.

با موضع ضعیف و منفعل دولت احمدی نژاد، این نگرانی جدی در میان نیروها، احزاب و شخصیت های میهن دوست کشور وجود دارد که ارتجاع حاکم در مذاکرات حساس دی ماه پیرامون نظام حقوقی خزر منافع ملی را فدای امیال و اهداف و منافع حکومتی خود کند. سرنوشت نظام حقوقی دریای خزر و شکل گیری هر گونه مناسبات سیاسی-اقتصادی و نظامی و امنیتی در آن بطور مستقیم بر آینده میهن ما تاثیر دارد.

بنابر این دریای خزر، چگونگی مناسبات در آن و نظام حقوقی آن از اهمیت بنیادین - تاکید می کنیم بنیادین- در تامین امنیت و منافع ملی ایران دارد. عدول از حقوق حقه و قانونی مردم ایران در دریای خزر، مستقیماً آینده کشور را در تحولات منطقه و جهان تضعیف و موقعیت میهن ما را شکننده و خطرناک می سازد.

در حال حاضر، به ویژه با توجه به برنامه امپریالیسم آمریکا در حوزه خلیج فارس، یعنی تشکیل بازار مشترک تجاری کشورهای عرب حاشیه جنوبی خلیج فارس و پیشنهاد صندوق بین المللی پول (با صلاح دید آمریکا) مبنی بر تاسیس بانک مرکزی کشورهای عرب خلیج فارس، با هدف آمادگی برای انتشار پول واحد که در چارچوب سیاست کاخ سفید یعنی طرح خاور میانه بزرگ قرار دارد و در این مورد صندوق بین المللی پول علت اصلی پیشنهاد تشکیل بانک مرکزی کشورهای عرب خلیج فارس را رسماً و علناً "کنترل و هدایت سیاست های پولی و اقتصادی منطقه خاورمیانه" دانسته است. با توجه به اینکه میهن ما نقطه اتصال و مفصل این منطقه استراتژیک و با اهمیت جهان است، ضرورت تامین حقوق حقه مردم و تضمین منافع و امنیت ملی در این دو حوزه، و به ویژه حوزه دریای خزر، که ایران در آن پیوندهای ژرف تاریخی و فرهنگی دارد، غیر قابل چشم پوشی و یک اولویت اساسی و انکار ناپذیر محسوب می شود !

پرسش اینجاست، آیا دولت احمدی نژاد توان، آمادگی و این ظرفیت را دارد که پاسخگوی این ضرورت ملی و تاریخی باشد؟ !

<https://www.tudehpartyiran.org/2013-11-28-19-45-55/330>